



# درس صبر و استقامت در مکتب

زینب

تقوی-صادقی

## طلیعة سخن

در پنجم جمادی الأولى سال پنجم یا ششم هجرت<sup>۱</sup> خانه نبوت با بی‌قراری تمام در انتظار مولودی بود که تا چند لحظه دیگر پای به این جهان می‌نهاد. پس از آن که لحظه فرخنده فرا رسید، خبر مسرت بخش آن منتشر شد و عطر خوش این ولادت کوجه‌های مدینه را فراگرفت. رسول گرامی اسلام ﷺ پس از تبریک و تهنیت، نام او را «زینب» گذاشت تا به این وسیله خاطره دختر مرحومه‌اش «زینب» را که کمی قبل از ولادت این کودک، جهان را بدرود گفته بود زنده نگاه دارد. او

بعدها در کسب فضایل و مناقب و کمالات انسانی زبان زد عام و خاص گشت؛ به حدی که برای او بیش از ۶۰ لقب ذکر شده است. برخی از این القاب عبارتند از: نائبة الزهراء، ملیكة النساء، سيدة العقائل، فصیحة، بلیغة، كاملة، عابدة، فاضلة، عارفة، صابرة، و عظیمة بلواها.<sup>۲</sup>

مرحوم شیخ محمد حسین اصفهانی معروف به کمپانی در

۱. فاطمة الزهراء بهجة قلب المصطفى، احمد

الرحمانی الهمدانی، نشر مرضیة، ص ۶۳۴.

۲. زینب کبری عقیلة بنی هاشم، حسن الهی.

مؤسسه فرهنگی آفرینه، ص ۶۲-۶۳.

سروده‌های معروف خود به فضائل و  
القاب آن بانوی بزرگ اشاره کرده است  
که برای اختصار به ذکر برخی از ابیات  
آن اکتفا می‌کنیم:

مَا وَرَّثَتْهُ مِنْ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ

جَوَامِعِ الْعِلْمِ أَصُولَ الْحِكْمَةِ

سِرُّ أَبِيهَا فِي عُلُوِّ الْهِمَّةِ

وَالصَّبْرِ فِي الشَّدَائِدِ الْمَلِيَّةِ

ثَبَاتُهَا تُسَنِّبُنِي عَنْ ثَبَاتِهِ

كَأَنَّ فِيهَا كُلَّ مُكْرَمَاتِهِ

لَهَا مِنَ الصَّبْرِ عَلَى الْمَصَائِبِ

مَا جَلَّ أَنْ يُعَدَّ فِي الْعَجَائِبِ<sup>۱</sup>

«او جوامع علم و اصول حکمت را از  
پیامبر رحمت به ارث برده است. در  
بلند مرتبه بودن همت و صبر در  
سختیهای خسته کننده و طاقت فرسا  
سر پدرش بود. (یعنی اوصاف پدرش  
در او نهان بود.)

استقامت و ثبات زینب از  
استقامت و ثبات پدرش خبر می‌دهد،  
گویا در وجود او تمام کرامتها [و]  
صفات پسندیده] حضرت علی علیه السلام  
وجود دارد. در صبر و شکیبایی بر  
مصیبتها آن چنان بود که نزدیک است  
از عجائب شمرده شود.»

آن بانوی بزرگ که در دوران  
زندگی خود با حوادث و مصائب  
بزرگی مواجه شده بود، در نیمه رجب  
سال ۶۲ هجری در سن ۵۶ سالگی با  
کوله‌باری از غم و اندوه، دنیای فانی را  
وداع گفت و به دیار حق شتافت.<sup>۲</sup>

از آن جا که شخصیت حضرت  
زینب علیها السلام با واژه صبر و استقامت در  
برابر مصائب و سختیها قرین است به  
حدی که او را «ام المصائب» و «ام  
العزائم» نامیده‌اند، از اینرو برآنیم تا در  
این مقال، مختصری پیرامون موضوع  
«صبر و استقامت» مطالبی را بیان کرده  
و سپس با ذکر نمونه‌هایی از صبر و  
استقامت آن بانوی بزرگ، این بحث را  
به پایان رسانیم.

### آثار صبر بر مصیبت

صبر و استقامت در برابر سختیها،  
یکی از مهمترین اصول اخلاقی اسلام  
است. در روایات به سه نوع صبر اشاره  
شده است؛ صبر بر مصیبت، صبر در  
مقابل معصیت و صبر در مقام عبادت و

۱. همان، ص ۶۴-۶۷.

۲. اخبار الزینبات، یحیی بن الحسن بن جعفر،  
ص ۱۲۲.

بندگی. از آنجا که در این مقاله از صبر بر مصیبتها و سختیها سخن می‌گوئیم، در اینجا برخی از آثار صبر بر مصائب را بیان می‌کنیم.

### ۱. رمز پیروزی

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ﴾<sup>۱</sup>؛ «و از آنها امامان و پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما [مردم را] هدایت می‌کردند، بخاطر این که شکیبایی نمودند و به آیات ما یقین داشتند.»

در صدر اسلام مسلمانان با سختیهای فراوانی دست به گریبان بودند و از سوی مشرکین مورد آزار و اذیت واقع می‌شدند و عده‌ای از آنان که طاقت تحمل این سختیها را نداشتند، عنان صبر و شکیبایی را از کف می‌دادند. در این آیه خداوند متعال خطاب به پیامبر و مسلمانان سرگذشت قوم بنی اسرائیل را بازگو می‌نماید تا هم آنان را تسلی و دلداری دهد و به صبر و شکیبایی و پایداری دعوت نماید و هم بشارتی باشد که اگر صبر و پایداری را پیشه کنند بر مشرکان

پیروز خواهند شد؛ چنان که قوم بنی اسرائیل که از طرف کفار و مشرکین مورد آزار و اذیت واقع می‌شدند پس از تحمل سختیها و مقاومت در برابر دشمنان، به پیروزی رسیدند و خداوند مقام امامت و پیشوایی بر مردم را به گروهی از آنان عطا فرمود.

پس در آیه مورد بحث دو چیز به عنوان رمز پیروزی بیان شده است: یکی ایمان و یقین به آیات الهی و دیگری صبر و استقامت و شکیبایی.

در حدیثی از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمودند: «فَمَنْ صَبَرَ وَاخْتَسَبَ لَمْ يَخْرُجْ مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى يُقَرَّ اللَّهُ لَهُ عَيْنًا فِي أَعْدَائِهِ مَعَ مَا يَدْخُرُ لَهُ فِي الْآخِرَةِ»<sup>۲</sup> کسی که شکیبایی کند و آن را به حساب خدا بگذارد، از دنیا بیرون نمی‌رود تا خداوند چشمش را با شکست دشمنانش روشن کند، علاوه بر پادشاهی که برای آخرت او ذخیره خواهد کرد.»

### ۲. پاداش اخروی

هنگامی که مسلمانان برای هجرت، با مشکلات و مصایب

۱. سجده/۲۴.

۲. اصول کافی، کلینی، دارالاضواء، ج ۲، ص ۷۲.

طبق قانون الهی مورد آزمایش قرار می‌گیرند تا بتوانند استعداد های خود را شکوفا سازند و قلّه‌های سر به فلک کشیدهٔ سعادت را در نورددند. از اینرو انسانها به طرق مختلف مانند: ترس، گرسنگی، زیان مالی و جانی، مورد آزمایش و امتحان قرار می‌گیرند و بدیهی است که هر کس بتواند از این آزمایشهای الهی سربلند خارج شود به سعادت نائل گردیده است. «صبر و استقامت» می‌تواند به عنوان یک سلاح کارآمد و اثر بخش در این مسیر سخت و دشوار انسان را یاری رساند و مسیر تکامل و خوشبختی را برایش هموار سازد.

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَنَبِّئِرِ الصَّابِرِينَ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ﴾<sup>۱</sup>؛  
«قطعاً همهٔ شما را با چیزی از ترس،

فراوانی روبرو بودند، این آیه نازل شد: ﴿إِنَّمَا يُوفَى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾<sup>۲</sup>؛ «همانا صابران اجر و پاداش خود را بی حساب دریافت می‌دارند.» در این آیه تعبیر به «یوفی» که از ماده «وفی» و به معنای اعطای کامل است، از یک سو، و تعبیر به «بِغَيْرِ حِسَابٍ» از سوی دیگر نشان می‌دهد که صابران و استقامت پیشگان برترین اجر و پاداش را در پیشگاه خداوند دارند. شاهد این سخن حدیث معروفی است که امام صادق علیه السلام از رسول الله صلی الله علیه و آله نقل فرموده‌اند: «إِذَا نُشِرَتِ الدَّوَابُّ وَنُصِبَتِ الْمَوَازِينُ لَمْ يُنْصَبْ لِأَهْلِ الْبَلَاءِ مِيزَانٌ وَلَمْ يُنْشَرْ لَهُمْ دِيْوَانٌ»<sup>۳</sup>؛ هنگامی که نامه‌های اعمال گشوده می‌شود و ترازوهای عدالت پروردگار نصب می‌گردد، برای کسانی که گرفتار بلاها [و حوادث سخت] شده‌اند نه میزان سنجشی نصب می‌شود و نه نامهٔ عملی گشوده خواهد شد.» پس این آیه را تلاوت کردند: ﴿إِنَّمَا يُوفَى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾.

۳. سربلندی در آزمایش الهی

همهٔ مردم از انبیا گرفته تا دیگران

۱. زمزم/ ۱۰۱.

۲. مجمع‌البیان، ذیل آیه فوق.

۳. - بقره/ ۱۵۵- ۱۵۷.

مطلب است و می‌بینیم که اولیاء الهی از جمله زینب کبری علیها السلام و پدر بزرگوار و مادر مطهره‌اش و برادران عظیم الشان ایشان چگونه با انواع مصیبت‌ها و سختی‌ها روبرو بوده‌اند و همواره در برابر طوفان حوادث صبر و شکیبایی نموده‌اند.

حال ممکن است این سؤال به ذهن خطور کند که چرا خداوند برای اولیاء خود مانند پیامبران الهی و اوصیای پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و امامان معصوم و زهرا علیها السلام و زینب کبری علیها السلام و ... - که از مقرّبین درگاهش هستند - سختی و بلا نازل می‌کند و حال آنکه انسان‌های بد در ناز و نعمت به سر می‌برند.

پاسخ این است که نه نعمت‌های ظاهری و نه سختی‌ها، هیچکدام معیار خوبی و بدی نیستند. آنچه مهم است نحوه برخورد انسان با این حوادث است که اگر انسان با عکس العمل خوب با این امور به سعادت برسد این حوادث برای او خوب است و اگر به

گرسنگی، زیان مالی و جانی و کمبود میوه‌ها آزمایش می‌کنیم و بشارت ده به استقامت کنندگان، آنهایی که هرگاه مصیبتی به آنها رسد می‌گویند: ما از آن خدا هستیم و به سوی او باز می‌گردیم. اینها همانها هستند که الطاف و رحمت خدا شامل حالشان شده و آنها هدایت یافتگان‌اند.»

### بلا برای اولیاء

از سنت‌های الهی فرستادن بلا و سختی برای اولیاء و انبیاء است و با استناد به روایات می‌توان گفت که هرچقدر ایمان شخص بیشتر شود، غالباً سختی و مّرارت بیشتری بر او وارد می‌شود. در این باره روایات زیادی وارد شده؛ تا جایی که در متون روایی یک باب با عنوان «شدّة ابتلاء المؤمن» قرار داده شده است. برای نمونه از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «*أَنَّهَا الْمُؤْمِنُ بِمَنْزِلَةِ كَفَّةِ الْمِيزَانِ كُلَّمَا زِيدَ فِي إِيْمَانِهِ زِيدَ فِي بَلَاءِهِ*؛<sup>۱</sup> همانا شخص مؤمن به منزله کفه ترازو است که هرچقدر ایمان او بیشتر شود، بلا و مصیبت او

بیشتر می‌شود.»

تاریخ نیز گواه گویایی بر این

۱. بحار الانوار، مجلسی، مؤسسه الوفاء، ج ۶۷، ص ۲۱۰.

رَأَيْتُ إِلَّا جَمِيلاً<sup>۲</sup> من جز زیبایی چیزی ندیدم. از اینرو مناسب است در این مقال، برخی از فوائد بلا را برشماریم تا بتوانیم با تأسی به بانوی شجاع اسلام حضرت زینب رضی الله عنها زیباییهای نهفته در بلاها را دریابیم و مجذوب زیبایی مطلق خداوند متعال شویم.

### ۱. زنگ بیدارباش

از آنجا که ممکن است دنیا و زینتهای ظاهری آن انسان را بفریبد و به خود مشغول سازد و از یاد و طاعت خداوند دور نماید، خداوند با فرستادن بلا و سختی زمینه بیداری از غفلت را برای انسان فراهم می‌سازد تا این بلاها زیباییها و ظواهر فریبنده دنیا را در کام او تلخ سازد و به سوی حق معطوف دارد.

روزی مسلمانان با خشکسالی و کمی آب مواجه شده بودند و حضرت علی رضی الله عنه برای ادای نماز باران بیرون

شقاوت برسد برای او بد است. شهید بزرگوار مطهری در این باره می‌گوید: «نه فقر بدبختی مطلق است و نه ثروت خوشبختی مطلق، چه بسا فقرهایی که موجب تربیت و تکمیل انسانها گردیده و چه بسا ثروتهایی که مایه بدبختی و نکبت قرار گرفته است... سلامت و بیماری، عزت و ذلت و سایر مصائب طبیعی نیز مشمول همین قانون است. نعمتها و همچنین شدائد و بلاها هم موهبت است؛ زیرا از هر یک از آنها می‌توان بهره‌برداریهای عالی کرد. و نیز ممکن است بلا و بدبختی شمرده شوند؛ زیرا ممکن است هر یک از آنها مایه بیچارگی و تنزل گردند.»<sup>۱</sup>

### آثار و فوائد بلاها

حوادثی که به ظاهر بلا و سختی

هستند، در باطن آثار و فواید دارند و اولیاء الهی نه تنها به بلا راضی هستند و ندای «رضی برضاءك» سر می‌دهند بلکه اصلاً بلا را بلا نمی‌دانند و به دیده زیبایی و جمال به آن می‌نگرند؛ چنان که حضرت زینب رضی الله عنها پس از تحمل سختیها و مصائب بسیاری که بر او و خاندانش وارد شده بود، فرمودند: «ما

۱. مجموعه آثار، مرتضی مطهری، صدرا، ج ۱، ص ۱۸۳-۱۸۴.

۲. بحارالانوار، مجلسی، همان، ج ۴۵، ص ۱۱۶ و اللهوف علی قتلی الطفوف، ابن طاووس، دارالأسوة، ص ۲۰۱.

آنها سالم بماند و در آخرت بر آن طاعات، استحقاق پاداش پیدا کنند.»

### ۳. مادر خوشبختیها

بلاها و سختیها بوجود آورنده سعادت و خوشبختی برای انسانها هستند و در شکم گرفتاریها و مصیبتها، نیکبختی و سعادت نهفته است؛ چنان که خداوند می فرماید: «فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ۚ إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ۚ»<sup>۱</sup> پس حتماً با سختی، آسایشی است. حتماً با سختی، آسایشی است.»

این یکی از قوانین عالم است که تا سنگ معدن ذوب نشود و گرمای طاقت فرسا نبیند هیچ گاه طلای ناب نخواهد شد و تا چاقو صیقل نبیند تیز و بران نخواهد شد. در انسان نیز این قانون جاری است و خداوند می فرماید: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ»<sup>۲</sup> «همانا انسان را در رنج و سختی آفریدیم.»

مرحوم استاد مطهری در تفسیر این آیه می فرماید: «آدمی باید مشقتها تحمل

آمدند، در راه به همراهان فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ يُبْتَلِي عِبَادَهُ عِنْدَ الْأَعْمَالِ السَّيِّئَةِ بِتَقْصِصِ السَّمَرَاتِ وَحَبْسِ الْبَرَكَاتِ وَإِغْلَاقِ حَزَائِنِ الْخَيْرَاتِ لِيَتُوبَ نَائِبٌ وَيُقْلِعَ مُقْلِعٌ وَيَسْتَدَكَّرَ مَتَدَكَّرٌ»<sup>۱</sup> خداوند هنگامی که بندگانش اعمال بد انجام می دهند آنان را به نقص و کمبود میوه‌ها و حبس نمودن برکات و بستن گنجینه‌های خوبیها، آزمایش می کند تا توبه کننده‌ای توبه کند و به دور کننده‌ای [گناه را از خود] دور سازد و پند گیرنده‌ای پند گیرد.»

### ۲. پاک کننده گناهان

برخی مؤمنین در پاره‌ای از اوقات دچار لغزش می شوند و مرتکب معصیت می گردند. خداوند - که نسبت به مؤمنین رؤوف و رحیم است - با فرو فرستادن بلا و سختی زمینه پاک شدن آنان از گناه را فراهم می کند و حساب آنان را به روز قیامت واگذار نمی نماید. امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ تَمَحُّبَ دُنُوبِ شِبَعَتِنَا فِي الدُّنْيَا بِمَحَبَّتِهِمْ لِيَسْلِمَ بِهَا طَاعَاتُهُمْ وَيَسْتَحِقُّوا عَلَيْهَا ثَوَابَهَا»<sup>۲</sup> حمد و سپاس خدایی را که پاک کردن گناهان پیروان ما را در دنیا به سختیهای آنها قرار داده تا طاعات

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۴۱.

۲. بحار الانوار، همان، ج ۶۷، ص ۲۳۲.

۳. انشراح/۵ و ۶.

۴. بلد/۴.

کند و سختیها بکشد تا هستی لایق خود را بیابد، تضاد و کشمکش، شلاق تکامل است، موجودات زنده با این شلاق راه خود را به سوی کمال می‌پیمایند.<sup>۱</sup>

امیر مؤمنان علیه السلام در نامه‌ای به عثمان بن حنیف فرماندار خویش در بصره، او را از این که در مجلس اشراف - که بی‌نویان در آن نبودند - شرکت کرده بود توبیخ می‌کند و زندگی ساده خود را شرح می‌دهد، آن گاه می‌فرماید: «**أَلَا وَإِنَّ الشَّجَرَةَ الْبَرِّيَّةَ أَصْلَبُ عُودًا وَالزَّوَاتِعَ الْحَضْرَةَ أَرْقَى جُلُودًا وَالنَّبَاتَاتِ الْبُذْوِيَّةَ أَقْوَى وَقُودًا وَأَبْطَأَ حَمُودًا**»<sup>۲</sup> آگاه باشید! درختان بیابانی چوبشان سخت‌تر و درختان کنار جویبار پوستشان نازک‌تر است. درختان بیابانی [که به وسیله باران سیراب می‌شوند] آتش چوبشان شعله‌ورتر و پردوام‌تر است.»

به همین دلیل اولیاء الهی که بیشتر محبوب خدایند بیشتر در معرض بلا و گرفتاری واقع می‌شوند، چنان که امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «**إِنَّ اللَّهَ إِذَا أَحَبَّ عَبْدًا عَتَّهَ بِالْبَلَاءِ عَتًّا**»<sup>۳</sup> خداوند زمانی که بنده‌ای را دوست بدارد او را در دریای

شدائد غوطه‌ور می‌سازد.»

تا نبیند رنج و سختی مرد، کی گردد تمام  
تا نیاید باد و باران گل کجا بویا شود  
پایداری و شجاعت زینب از نگاه

### دیگران

با ورق زدن صفحات تاریخ درمی‌یابیم که حضرت زینب علیها السلام از همان او ان کودکی با رنج و سختی آشنا بود و در برابر هر مصیبت و رنجی که برای او پیش می‌آمد با صبر و شکیبایی مثال زدن ایستادگی می‌نمود و راه رضای خدا را در پیش می‌گرفت. این امر سبب شده بود که آن بانوی بزرگ الگوی پایداری و شجاعت شناخته شود و لذا دانشمندان بزرگ اسلامی اعم از شیعه و اهل سنت در کتب خود زبان به تحسین گشوده‌اند و با الفاظ و عبارات مختلف از آن حضرت تجلیل نموده‌اند.

برای نمونه ابن اثیر از مورخین

۱. مجموعه آثار، مرتضی مطهری، صدرا، ج ۱، ص ۱۷۶.

۲. نهج البلاغه، نامه ۴۵.

۳. اصول کافی، کلینی، دارالاضواء، ج ۲، ص ۲۵۲ و بحارالانوار، مجلسی، مؤسسة الوفاء، ج ۶۷، ص ۲۰۷.



محبت ما را تحمل نمی‌کند. عرض کردم: به خدا قسم چنین نمی‌کنم مگر به خاطر خدا و رسولش و از هیچ غضبی (از ناحیه سلطان) نمی‌ترسم. سپس امام علیه السلام خبری را برایم نقل فرمود که: وقتی در کربلا یاران امام شهید شدند و برای اسیری روانه کوفه می‌شدیم، به اجساد شهیدان که دفن نشده بودند نگاه می‌کردم و این برایم سخت بود تا جایی که نزدیک بود جان از بدنم جدا شود، زینب علیها السلام آمد و گفت: «مَالِي أَرْأَكَ تَجُودُ بِنَفْسِكَ يَا بَقِيَّةَ جَدِّي وَأَبِي وَأُخُوْتِي؟ چه شده است که می‌بینم می‌خواهی بذل جان کنی، ای باقیمانده جد و پدر و برادرانم؟» گفتم: چگونه ناراحت نباشم و حال آنکه پدر و برادران و عمو و پسر عمو و اهلم به خونهایشان آغشته شده‌اند و برهنه هستند و کفن نشده‌اند و مدفون نمی‌گردند؟

۱. اسد الغابة، ابن اثیر، دارالمعرفة، ج ۵، ص ۳۰۰ و الاصابة، ابن حجر عسقلانی، دارالجیل، ج ۷، ص ۶۸۴.
۲. فاطمة الزهراء بهجة المصطفى، احمد الرحمانی الهمدانی، همان، ص ۶۴۰.

بزرگ اهل سنت می‌گوید: «وَكَاثَتْ زَيْنَبُ امْرَأَةً عَاقِلَةً لَيْبِيَّةً جَزَلَةً... وَهُوَ يُدَلُّ عَلَى عَقْلِ وَقُوَّةِ جَنَانٍ؛<sup>۱</sup> زینب زنی بود عاقل و خردمند و بازکاوت... و این (یعنی کلام حضرت زینب در مجلس یزید) بر عقل و قوت قلب [و پایداری او] دلالت می‌کند.»

همچنین جلال الدین سیوطی از مفسرین اهل سنت می‌گوید: «وَكَاثَتْ لَيْبِيَّةً جَزَلَةً عَاقِلَةً لَهَا قُوَّةُ جَنَانٍ؛<sup>۲</sup> زینب بانویی خردمند و عاقل بود و از قوت قلب [و مقاومت] برخوردار بود.» و نیز علامه مامقانی از علمای شیعه در مورد آن بانوی بزرگ می‌گوید: «وَهِيَ فِي الصَّبْرِ وَالثَّبَاتِ وَحِيدَةٌ؛ او در صبر و پایداری یکتا و بی‌همتا بود.»

**مصائب زینب از زبان پیامبر صلی الله علیه و آله**  
و علی علیه السلام

قدامة بن زائده از پدرش نقل می‌کند که امام سجاد علیه السلام به من فرمود: ای زائده! شنیده‌ام به زیارت امام حسین علیه السلام می‌روی؟ چگونه به زیارت او می‌روی و حال آنکه مقام و منزلتی نزد سلطان خود داری؛ سلطانی که

همه مردم از انبیا گرفته  
تا دیگران طبق قانون  
الهی مورد آزمایش قرار  
می‌گیرند تا بتوانند  
استعدادهای خود را  
شکوفا سازند و قله‌های  
سر به فلک کشیده  
سعادت را در نور دهند.

زینب گفت: «لَا يَجْزِي عَنكَ مَا تَرَى  
قَوْلَ اللَّهِ إِنَّ ذَلِكَ لَعَهْدٌ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ إِلَىٰ جَدِّكَ وَ  
أَبِيكَ وَعَمَّتْكَ؛ آنچه می‌بینی تو را غمگین  
نکند، به خدا قسم که این عهدهی است  
از فرستاده خدا به جدّت و پدرت و  
عمویت.»

گفتم: این عهد چیست و این خبر  
کدام است؟ حضرت زینب رضی الله عنها فرمود:  
ام ایمن<sup>۱</sup> برایم نقل فرمود: روزی  
رسول خدا به منزل فاطمه آمد، من  
برای او غذایی تهیه کردم و علی رضی الله عنه نیز  
یک طبق خرما آورد. من ظرفی از شیر

و حلوا برای ایشان آوردم و پیامبر صلی الله علیه و آله،  
علی رضی الله عنه، فاطمه رضی الله عنها و حسن و  
حسین رضی الله عنهما از آن غذا خوردند و از آن  
شیر نوشیدند و از خرما تناول کردند...  
سپس به علی رضی الله عنه و فاطمه رضی الله عنها و حسن  
و حسین رضی الله عنهما نگاهی کردند، ما دانستیم  
که از روی شرور و شادمانی است...  
سپس به سجده افتادند و صدای گریه  
ایشان بلند شد و اشکهایشان همچون  
باران جاری بود... علی رضی الله عنه و فاطمه رضی الله عنها  
از پیامبر پرسیدند: چرا گریه می‌کنید؟  
خداوند چشمانتان را گریان نبیند، از  
این حالت شما قلب ما جریحه‌دار شد.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: جبرئیل بر من  
فرود آمد و گفت: ای محمد! همانا  
برادرت پس از تو مغلوب واقع  
می‌شود و مورد حمله دشمنان قرار

۱. وی خادمه پیامبر گرامی اسلام بود و جزء  
اولین کسانی است که به ندای پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله  
پاسخ گفت و مسلمان شد و پس از رحلت  
پیامبر صلی الله علیه و آله همراه حضرت فاطمه رضی الله عنها بود و در  
ماجرای فدک که ابوبکر از حضرت فاطمه شاهد  
خواست، ام ایمن به نفع آن حضرت شهادت داد  
ولی ابوبکر علی رغم اعتراف به اینکه او از اهل  
بهشت است، شهادتش را نپذیرفت.  
ر.ک به شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید،  
اسماعیلیان، ج ۱۳، ص ۲۷۲ و ج ۱۶، ص ۲۱۴.

**زینب کبری علیها السلام همچون  
کوهی سترگ و استوار، با  
خطبه‌های آتشین خود در  
کوفه و شام وظیفه افشاگری  
ظلم بنی امیه را به خوبی  
انجام داد و نهضت حسینی  
را به جهانیان عرضه کرد.**

می‌ترسید مردم شما را به سرعت از بین  
ببرند، بر شما باد صبر کردن.<sup>۱</sup>

#### اشاره‌ای به مصائب زینب علیها السلام

آن بانوی عظیم الشان - که به واقع  
زینت پدر و گل خوشبوی ولایت بود -  
در مقام و منزلت و فضائل اخلاقی  
چنان بود که او را عقیده بنی هاشم نام  
نهادند. او علی رغم چنین مقام و  
منزلتی و علی رغم تمام سفارشات و  
وصایای رسول گرامی اسلام در مورد  
اهل بیت علیهم السلام آماج بیشترین نامهربانیها  
قرار گرفت و با صبر و بردباری و استقامت

می‌گیرد و شهید می‌شود و بدترین  
خلق، او را خواهد کُشت... *وَإِنَّ سِنْطَكَ  
هَذَا - وَأَوْمَأَ بِيَدِهِ إِلَى الْحَسَنِ - مَقْتُولٌ فِي  
عِصَابَةٍ مِنْ دُرِّ بَيْتِكَ وَأَهْلِ بَيْتِكَ وَأَخْيَارٍ مِنْ  
أُمَّتِكَ بِصَفَةِ الْفِرَاتِ فِي أَرْضٍ يُدْعَى كَرْبَلَا؛* و  
بدرستی که نوه تو - اشاره فرمود به  
حسین - در بین گروهی از ذریه و  
اهلیت و خوبان امت تو در کنار فرات  
کشته خواهد شد، در زمینی که کربلا نام  
دارد. «پس پیامبر فرمود: «این بود آنچه  
مرا به گریه انداخت و محزون  
ساخت.»

زینب فرمود: وقتی ابن ملجم -  
لعنة الله عليه - بر پدرم ضربه زد و اثر  
شهادت را در چهره او دیدم، به او  
عرض کردم که ام ایمن برایم این گونه  
نقل کرده، دوست دارم از شما آن را  
بشنوم، پدرم فرمود: *يَا بَيْتَةَ الْحَدِيثُ كَمَا  
حَدَّثْتِكِ أُمُّ أَيْمَنَ؛* دخترم این خبر همان  
گونه است که ام ایمن برایت نقل کرده  
است. «*كَأَنِّي بِكَ وَبَيْتَاتِ أَهْلِكَ سَبَا يَا بَيْتَةَ  
الْبَلَدِ أَذْلَاءَ خَاشِعِينَ تَخَافُونَ أَنْ يَتَخَطَّفَكُمُ  
النَّاسُ فَصَبْرًا صَبْرًا؛* گویا تو و دختران  
اهل تو را در این سرزمین اسیر می‌بینم  
با حالتی ذلت‌بار و ترسان، در حالی که

۱. بحار الانوار، مجلسی، مؤسسة الوفاء، ج ۴۵،  
ص ۱۷۹ - ۱۸۳ و کامل الزیارات، ابن قولویه،  
مکتبة الصدوق، باب ۸۸، ص ۲۷۷ - ۲۷۸.

نمی‌توانست آغوش گرم ایشان را که آرامش بخش روح و روان او بود احساس کند، و از طرف دیگر لحظه به لحظه با درد و رنجهای مادر مهربانش همراه بود؛ رنجهایی که تاریخ بشریت را تیره و تار نمود و لگه ننگی بر پیشانی مسبین آن تا ابدیت باقی گذاشت و دل اندیشمندان را جریحه‌دار نمود.

آن گل خوشبوی زهرا علیها السلام از غم و اندوه مادر، غمگین می‌گشت و می‌گریست. در آن هنگام که شدت ضربهٔ درب خانه توسط مهاجمان، پهلوی صدیقهٔ طاهره را شکست، گویی پهلوی زینب بود که می‌شکند، وقتی ضربهٔ تازیانه دست مادرش را مجروح ساخت، گویی که تازیانه‌ای بر قلب نازنین زینب وارد شده است، این حوادث و مصائب همیشه در ذهن آن دختر کوچک باقی بود و بر سینهٔ پرعاطفهٔ او سنگینی می‌کرد، ولی این پایان کار نبود و رنجها و سختیها یکی پس از دیگری خود را نمایان می‌ساخت تا این که مصیبت

بی‌ظنیر، چشمهای جهانیان را خیره کرد. اگرچه برشمردن تمام مصائب زینب کبری علیها السلام و درک عمق فجایعی که در طول دوران زندگی بر ایشان وارد شد از طاقت ما خارج است، ولی با بیان پاره‌ای از آنها اُم المصائب بودن ایشان را از دور به نظاره می‌نشینیم، امید است که بتوانیم در این دانشگاه انسان ساز، درسهای آموزندهٔ اخلاقی را فراگیریم و با عمل به آنها به تهذیب و تزکیهٔ نفس خویش پردازیم.

آب دریا را اگر نتوان کشید

هم به قدر تشنگی باید چشید  
یکی از نویسندگان خوش ذوق فهرستی از برخی مصائب آن بانوی گرانقدر تهیه کرده و بیش از چهل مصیبت برای ایشان بیان نموده است<sup>۱</sup> که در این نوشتار در چند مرحله به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

#### الف) دوران پدر و مادر

دوران کودکی زینب علیها السلام که گمان می‌رفت بهترین دوران زندگی او باشد، با رنجها و تلخیهای بسیاری همراه بود. از طرفی با فراق بزرگترین انسان تاریخ؛ پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله دیگر

۱. زینب کبری، عقیده بنی هاشم، حسن الهی، مؤسسه فرهنگی آفرینه، ص ۷۰-۷۳.

دشنام می‌دهند. از طرف دیگر غریبی و بی‌کسی برادر و بی‌ثباتی یاران بی‌وفای او، دل زینب را به درد می‌آورد. این سختیها زمانی به اوج خود رسید که خبر مسموم شدن برادرش امام حسن علیه السلام به او رسید و انبوهی از غم و اندوه را بر قلب او وارد ساخت، و از این سخت‌تر برای زینب علیها السلام زمانی بود که شاهد تیرباران شدن بدن مطهر برادرش به هنگام تدفین بود.<sup>۱</sup> با این حوادث مظلومیت اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و خاندان امیر مؤمنان علی علیه السلام و فرزندان فاطمه زهرا علیها السلام بیش از پیش هویدا می‌شد.

در حادثه کربلا، زینب علیها السلام سختیهایی را که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم از قبل بیان فرموده بود، مشاهده می‌نمود. در این هنگام حضرت زینب علیها السلام تلخ‌ترین روز عمر خود را در پیش داشت؛ روزی که در وصف آن گفته شده «الْیَوْمَ کَیْومِکَ یا اَبَا عَبْدِاللهِ! هیچ روزی مانند روز تو نیست

سخت و طاقت فرسای شهادت مادر چون کوهی از مصائب در برابر او پدیدار گشت. آن بانوی عزیز پس از شهادت مادر شاهد درد و رنج و تنهایی پدر بود که از فرط تنهایی و بی‌کسی سر بر چاه می‌گذازد و ندای مظلومیت خود را به چاه می‌گوید تا شاید او ندای حق علی علیه السلام را بشنود. در این میان شهادت پدر مظلومش بدست یکی از شقی‌ترین انسانهای عالم، مصیبت بزرگ دیگری بود که به هیچ وجه برایش قابل جبران نبود. چرا که دیگر زینب هیچ یاور و پناهی نداشت و غریب و تنها شده بود. این حوادث، زینب کبری را همچون پولادی که در میان شعله‌های آتش آبدیده می‌شود، مقاوم‌تر و استوارتر می‌ساخت.

**ب) دوران امام حسن علیه السلام**  
بعد از شهادت پدر و شروع دوران خلافت برادرش امام حسن مجتبی علیه السلام مصائب زینب باز هم ادامه داشت. برای او چقدر سخت بود که ببیند مردمان سست ایمان بر بلندای منابر، پدر مهربانش را که یار و یاور و وصی و خلیفه بر حق رسول الله بود،

۱. مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب، مطبعة الحیدریة، ج ۴، ص ۲۰۴، و بحار الانوار، مجلسی، همان، ج ۴۴، ص ۱۵۷.

ای ابا عبدالله<sup>ع</sup> روزی که زینب<sup>ع</sup> شاهد تشنگی و عطش زنان و اطفال، شهادت فرزندان، برادر و فرزندان برادر بود و در نهایت وقتی برادرش آماده میدان رزم شد، گویی تمام عالم بر سر او خراب شد و هنگامی که اسب بی صاحب ابا عبدالله به خیمه گاه برگشت، زینب مصیبت زده ترین زن تاریخ گشت.

در حالیکه غم از دست دادن عزیزترین افراد قلب نازنین زینب<sup>ع</sup> را می آزد، سفر طولانی و طاقت فرسای اسارت از کربلا تا کوفه و از کوفه تا شام آغاز شد و با توجه به بیماری امام سجاد<sup>ع</sup> قافله سالاری این کاروان غم زده و مصیبت دیده، به عهده زینب بود. این سفر با وقایع تلخی از جمله: نشان دادن سرهای بریده شهدا بر سر نیزه‌ها، بی تابی کودکان یتیم و ماتم زده و خسته، بیماری امام سجاد<sup>ع</sup> که با حالتی بسیار اسفبار و دلخراش به همراه کاروان در حرکت بود، هتک حرمت حرم رسول خدا، شادمانی مردم کوفه و خارجی خواندن خاندان پیامبر اسلام و صدها فجایع و مصیبت دیگر،

مصیبت‌هایی که یکی از آنها برای از پا درآوردن هر انسان کافی است؛ اما زینب کبری<sup>ع</sup> همچون کوهی سترگ و استوار، با خطبه‌های آتشین خود در کوفه و شام وظیفه افشاگری ظلم بنی امیه را به خوبی انجام داد و نهضت حسینی را به جهانیان عرضه کرد.

به راستی که انسان با شدت بلا یا و مصائب زینب<sup>ع</sup>، تردیدی در عظمت و بزرگی مقام ایشان پیدا نمی‌کند و سخن پدر گرامیش علی<sup>ع</sup> به ذهن تداعی می‌کند که فرمود: «إِنَّ أَشَدَّ النَّاسِ بَلَاءَ النَّبِيِّونَ ثُمَّ الْوَصِيَّونَ ثُمَّ الْأُمَّتِلَ فَأَلَمَّ مَثَلُ؛ شدیدترین بلاها و مصائب بر پیامبران وارد می‌شود، سپس به اوصیاء و بعد به شبیه ترین افراد به آنها.»<sup>۱</sup>

به امید آنکه با الگوگیری از صبر و استقامت زینب کبری<sup>ع</sup>، جامعه اسلامی ما در شرایط سخت و دشوار کنونی، راه صبر و استقامت پیش گیرد و در کوران حوادث و اوج امتحانهای الهی از مسیر دین و پیروی از خط ولایت و رهبری اهلبیت و اوصیای آنان خارج نشود.

۱. بحار الانوار، مجلسی، همان، ج ۶۷، ص ۲۲۲.